

یادداشتی از حسین براتی پژوهشگر مسائل مذهبی؛

## توطئه اسلام هراسی و اسلام ستیزی و اینک حجاب ستیزی

منظور از اسلام هراسی و اسلام ستیزی یعنی ترس، نفرت یا تبعیض علیه دین مسلمانان به طور کلی است به ویژه هنگامی که یک منبع تروریسم تلقی می‌شود.

به گزارش خبر، حسین براتی کارشناس مذهبی با ارسال یادداشتی با عنوان "توطئه اسلام هراسی و اسلام ستیزی و اینک حجاب ستیزی" به پایگاه خبری گزارش خبر آورده است:

منظور از اسلام هراسی و اسلام ستیزی یعنی ترس، نفرت یا تبعیض علیه دین مسلمانان به طور کلی است به ویژه هنگامی که یک منبع تروریسم تلقی می‌شود.

جدال درباره این واژه همچنان مورد بحث است برخی از محققین اسلام هراسی را بیگانه هراسی یا نژادپرستی میدانند، هرچند اسلام هراسی از اصلاحات تازه ای است که به طور خاص در زمینه رابطه اسلام و تفکر غرب تداوم یافته است و به پدیده پیش داور یا تبعیض علیه اسلام و مسلمانان گفته می‌شود.

ولی مساله جدیدی نیست چراکه ظهور اسلام با این پدیده توأم بوده است، در صدر اسلام همواره مخالفان و معاندانی وجود داشته اند که به علت به خطر افتادن منافعشان به ستیز با اسلام برمی‌خاستند، و با جدیت و شدت به گونه ای عمل می‌کردند که ماهیت این دین مبین و مقاصدش را به گونه ای تعریف نمایند که رغبت‌ها را بزداید و عقول را از توجه به احکام آن منصرف نماید، بانگاهی دقیق تر به رابطه اسلام و تفکر غرب می‌توان پیشینه تاریخی این مفهوم را در ستیزه های مداوم این دو تمدن فرهنگی یافت.

هرچند در تکامل این دو تمدن نقاطی از تعامل نیز وجود داشته اما قسمت غالب تعاملات بر اساس تعارض و پویایی بی اعتمادی طرفین بوده است. پدیده اسلام هراسی و اسلام ستیزی ریشه در تاریخ اروپا و به ویژه جنگ های صلیبی دارد. به طور مثال یکی از مصادیق عینی اسلام هراسی برخورد اروپاییان با مسلمانان در اندلس از قرن دوم تا هفتم هجری به اهداف اخراجشان از اسپانیا است.

حاکمان غربی تلاش دارند باتکیه بر راهبرد اسلام هراسی، بزرگترین و جدی ترین مانع بر سر راه روند جهانی سازی و استیلای همه جانبه بر جهان یعنی خودآگاهی دینی، بازیابی هویت دینی را از میان بردارند و مانع تعمیق و نهادینه شدن آن در جوامع اسلامی و غربی شوند اما غرب بعد از انقلاب شکوهمند اسلامی در وضعیت پدافندی قرار گرفته راهبرد غرب هم برای مبارزه با نمادهای دینی به ویژه حجاب یک رفتار واکنشی در مقابل روند افزایش گرایش به معنویت و دین در جوامع غربی و نهادینه شدن پوشش اسلامی در ایران و برخی کشورهای اسلامی است.

در یک نگاه روندشناسی در می‌یابیم که در دهه دوم انقلاب اسلامی به دلایل مختلف پروژه هویت زدایی و هنجارشکنی در موضوع عفاف و حجاب در دستور کار قرار می‌گیرد و این پدیده از مقوله اسلام هراسی و حجاب هراسی که در غرب کلید زده شد و با طرح حقوق زنان و آزادی‌های اجتماعی آن‌ها در برخی رسانه‌ها و تریبون‌ها آغاز شد.

فرایند نهادینه شدن حجاب به عنوان نمادی دینی، اجتماعی و سیاسی، جامعه را مورد حمله قرار داد و امروز با عنوان حجاب اجباری که مهندسی معکوس راهبرد کشف حجاب اجباری رضاخانی است، تلاش دارند با تبدیل یک موضوع اجتماعی و هویتی به مسئله سیاسی، در جامعه دوگانه طرفداران حجاب و مخالفان حجاب را به عنوان یک ابرپروژه تعریف کنند. در این میان دولت را به عنوان عامل اصلی منازعات اجتماعی و عامل تفرقه و زایل‌کننده وحدت ملی معرفی کنند.

از آنجایی که در سناریوی غرب جمهوری اسلامی به عنوان محور گفتمان دینی و مصداق عینی جامعه‌ای که موضوع حجاب به عنوان یک مسئله هویتی در آن نهادینه شده است، تلاش دارد با محاصره روانی دولت و ملت، زمینه تغییر وجابه‌جایی نظام ارزشی و هویتی را در آن از طریق تبدیل موضوع حجاب به یک مطالبه فراگیر فراهم کند.

ایران از دیدگاه غرب یک هجمه تمدنی کشنده به تمدن و هویت لیبرالیسم داشته و هویت غربی را در معرض مخاطره جدی قرار داده است. برای همین تنها راه مقابله با این پدیده هویتی، خاموش کردن موتور جریان آفندی علیه نظام هویتی غرب تعریف شده است. این مهم اتفاق نمی‌افتد مگر اینکه یک راهبرد پدافندی و آفندی قدرتمند را علیه بنیادها و نمادهای هویتی نهادینه شده اسلامی در جامعه ایران طراحی و اجرا کند.

فرا تحلیل مواضع دولتمردان، اندیشکده‌ها و رسانه‌های غربی و اذنان آن‌ها در داخل در چند ماه گذشته این فرضیه را که مسئله هجمه به حجاب یک پروژه دقیق طراحی شده است که در واکنش به روند فزاینده گرایش به اسلام و حجاب در جوامع غربی برنامه ریزی شده است، تردید باقی نمی‌گذارد. این رفتاری مستأصلانه برای کند کردن فرایند تغییر هویت لیبرالی در جوامع غربی است.

البته این طراحی با تمام نگرانی‌ها و خسارت‌هایی که در بخش‌هایی از جامعه زنان در ایران و جهان اسلام در پی خواهد داشت، اولاً یک اقدام واکنشی و از روی استیصال است؛ ثانیاً به دلیل اینکه حجاب در ایران به عنوان یک موضوع هویتی، فرایند نهادینه شدن را پشت سر گذاشته است، از ظرفیت لازم برای تولید آنتی تز برخوردار نیست. ثالثاً رفتار مخالفان از منطق محکمی برخوردار نیست و به دلیل ماهیت ضد قانونی و عرفی آن ظرفیت کافی برای تبدیل شدن به یک اپیدمی اجتماعی ندارد. رابعاً مدافعان حجاب در جوامع غربی نیز به عکس اقلیت طرفدار بی‌حجابی، هم از منطق محکمی برخوردارند و هم وضعیت با ثبات تری دارند، چراکه رفتار آن در دفاع از حجاب عقیدتی است که نوعی خیزش علیه یک منطق تجربه شده در چند قرن گذشته است، اما اقلیت مخالف حجاب در ایران به دلیل رفتار و اغراض سیاسی پایداری و قدرت لازم برای تبدیل شدن به یک جریان را ندارد.

از این رو رفتار پدافندی غرب فرصتی تاریخی در اختیار مدافعان حجاب و عفاف قرار داده است که با تشدید برنامه‌های تبیینی، ترویجی، منطقی و معقول نظام‌مند در ارتباط با فلسفه حجاب و فلسفه مخالفت غرب با آن، این منازعه تاریخی را به نفع خود مدیریت کنند. ایران ظرفیت این را دارد که نبرد میان تمدنی را با یاری گرفتن از تجربه موفقیت آمیز نبردهای سیاسی و نظامی در مواجهه با غرب، صفحه پازل پیروزی‌های خود در نبرد هویتی با محوریت حجاب و عفاف را تکمیل کند و نقطه تهجمی نبرد و جدل بر سر این مسئله را در میان زنان خسته از نظام ارزشی لیبرالی متمرکز کند و موتور این ماشین فرسوده تولید بردگی زنان را با کمک ظرفیت‌های مشتاق‌راهی در غرب، خاموش کند.

در مورد اسلام ستیزی و اسلام هراسی رهبر معظم انقلاب حضرت امام خامنه‌ای (حفظ الله) نکات بسیار مفهومی و عالی فرمودند که اگر سخنان ایشان

راسرلوحه قراردهيم درمسيرمبارزه باپديده اسلام ستيزي غرب موفق خواهيم بود.

ازجمله مهمترين بيانات ايشان درابن خصوص درديدار بامسئولان نظام وسفرای کشورهای اسلامی درسال ۱۳۹۵بود که فرمودند:  
امروزه جزو سياستهای قطعی دولت آمریکا و دولتهای همراه با او اسلام ستيزی است، ايران ستيزی است، شيعه ستيزی است، اينجوری دارند حرکت می کنند. اين سياست قطعی آنها است. وقتی ملتها غافل باشند، آنها پيش ميروند ؛ وقتی ملتها بيدار باشند، در مقابل آنها مانع ايجاد ميشود؛ آن وقت عصبانی ميشوند و داد ميکشند که چرا شما در منطقه ی غرب آسيا حضور داريد، چرا نمی گذاريد ما کار خودمان را انجام بدهيم. ديروز پريروز سخنگويان آمریکا اعلام کردند که مخالف ايران با سياستهای آمریکا در منطقه غرب آسيا - که آنها به آن می گویند خاورميانه - موجب می شود که ما ايران را مثلا تحریم کنیم يا با ايران مقابله کنیم.